

مقایسه رویکردهای استاندارد محور و تقاضا محور در توزیع

عادلانه خدمات شهری (نمونه موردی: محله راه آهن شهر قزوین)^۱

محیا رضانی^۲

دکتر ملیحه باباخانی^۳

دکتر رحیم هاشم پور^۴

دکتر مجید زارعی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

چکیده:

برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری در تمام عمر خود به دنبال یافتن راه‌کارهایی جهت هرچه بهتر محقق کردن امر توزیع خدمات شهری بوده است. و برای تحقق این امر از رویکرد استاندارد محور که کاملاً بر اساس نیازهای یکسان و از قبل پیش‌بینی شده در قالب استانداردهای شهری استفاده نموده است. این در حالی است که تقاضای واقعی و مشارکت ساکنان در امر برنامه‌ریزی نادیده گرفته شده است. از همین رو در این تحقیق به مقایسه و تحلیل دو رویکرد استاندارد محور و تقاضا محور برای ارتقای سطح مشارکت ساکنان در امر برنامه‌ریزی و تحقق نیازهای واقعی ساکنان پرداخته شده است. این تحقیق از نوع کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی است که با مقایسه دو اصل استاندارد محور و اصل تقاضا محور انجام می‌شود. دو معیار سرانه‌های شهری و استاندارد شعاع دسترسی برای اصل استاندارد محور (برطبق روال معمول برنامه‌ریزی شهری کشور)، و نظرسنجی ساکنان توسط پرسش‌نامه و تحلیل در SPSS و عینی‌سازی نتایج آن در محیط GIS با روش IDW برای اصل تقاضا محور انتخاب شده است. نتایج حاصل از مقایسه این دو اصل با یکدیگر نشان‌دهنده این است که تفاوت جدی در نوع نگاه و نتایج برنامه‌ریزی بر اساس استانداردهای شهری و برنامه‌ریزی بر اساس نظرات مردم وجود دارد و برای کاربری‌های مذهبی، تجاری و آموزشی شناسایی میزان نیاز از طریق یک اصل کافی نیست و برای تحقق این امر باید از نظرات ساکنان نیز استفاده کرد. البته نوع این کاربری‌ها خاص نمونه موردی این تحقیق است و برای هر تحقیق می‌تواند کاربری‌های دیگری به دست بیاید. از همین رو می‌بایست برای همه پروژه‌های شهری، از هر دو اصل استفاده کرد.

کلمات کلیدی: توزیع خدمات شهری، مشارکت مردم، عدالت اجتماعی، استاندارد محور، تقاضا محور.

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره، با عنوان بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری با هدف عدالت در توزیع خدمات شهری، نمونه موردی: محله راه آهن شهر قزوین است که مورد حمایت شرکت بازآفرینی شهری اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین قرار گرفته است.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

babakhani@ut.ac.ir

^۳ استادیار گروه شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

^۴ دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

^۵ دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

۱- مقدمه:

۱-۱- طرح مسئله:

یکی از موضوعات و مشکلات مهم شهرهای امروز در کشور ما، تقلید کورکورانه از نوع برنامه‌ریزی جامع و ارائه نسخه مشخص و یکسان بر اساس استانداردهای اعلام شده برای همه شهرهاست. متأسفانه تا به حال، توزیع خدمات شهری بیشتر در قالب طرح‌های کاربری اراضی و معیار سرانه کاربری مطالعه شده است (رهنما، ۱۳۸۵: ۱۳۷). خدمات شهری و توزیع آن‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیست و توزیع و محاسبه میزان نیاز ساکنان یک محدوده به هر کدام از خدمات شهری کاملاً نیازمحور و بر اساس استانداردهای انعطاف‌ناپذیر و مشخص شده از قبل مانند سرانه‌ها، شعاع دسترسی، استانداردهای زمین و ... بوده است.

این در حالی است که کشورهای ایجادکننده و تجویزکننده همین طرح‌ها و برنامه‌ها، امروزه از تعامل و مشارکت ساکنان شهرها در روند تهیه و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری صحبت می‌کنند؛ چراکه در آن نوع از برنامه‌ریزی، مشارکت عمومی بسیار محدود بود و عموماً اطلاع‌رسانی تصمیم‌هایی را در بر می‌گرفت که از پیش اتخاذ شده بودند (شریف‌زادگان و شفیعی، ۱۳۹۳). و همین موضوع عدم مشارکت مردم در تهیه طرح‌ها، موجی از نابرابری‌ها، و تضادهای کالبدی و اجتماعی در شهرها به بار آورده است (وارثی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). چراکه کارکرد اساسی خدمات عمومی شهری و دسترسی متعادل شهروندان به آن نیز به‌عنوان یکی از مباحث بسیار مهم در مدیریت شهری و پیوند آن با مقوله عدالت اجتماعی است (امین‌نیری و همکاران، ۱۳۹۶).

حال در این بین، بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، که مناطقی از شهر هستند که در طی سالیان گذشته عناصر متشکل آن، اعم از تأسیسات روبنائی، زیربنایی، ابنیه، مستحدمات، خیابان‌ها و دسترسی‌ها، دچار فرسودگی و ناکارآمدی شده و ساکنان آن از مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی رنج می‌برند. (مجموعه قوانین و مقررات بازآفرینی شهری پایدار، ۱۳۹۴: ۸۱)، لطمه جدی‌تری از این موضوع خورده‌اند و روزبه‌روز خالی‌تر از سکنه و مهاجرین جایگزین آنها شده‌اند و چرخش جمعیتی بین بخش‌های مختلف شهرها رخ داده است که از جمله دلایلی که می‌توان علاوه بر برنامه‌ریزی تجویزی و غیرمشارکتی و بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی ساکنان برشمرد، عدم توجه به موضوع عدالت شهری یا عدالت اجتماعی در خدمات شهری است، که هم میزان خدمات را شامل می‌شود و هم پراکنش و توزیع آن را. ساکنان این بافت‌ها پس از رسیدن به سطحی از درآمد مطلوبشان، در پی یافتن خدمات بیشتر و بهتر به محلات دیگر در شهر می‌روند و ساکنان ماندگار هم پس از مقایسه‌های فراوان با دیگر محلات، بدون هیچ علقه‌ای به محل زندگی‌شان، ادامه می‌دهند تا در اولین فرصت تغییر مکان دهند. این درحالی است که تناسب و تعادل یا به‌نوعی توزیع عادلانه خدمات شهری به خودی‌خود می‌تواند یکی از نقاط مثبت این بافت‌ها شود و ساکنان را علاقه‌مند به محل زندگی‌شان نماید.

از همین رو مقاله حاضر توسط کنار هم قرار دادن دیدگاه استاندارد محوری و تقاضا محوری در برنامه ریزی خدمات شهری با تأکید بر عدالت اجتماعی در جست و جوی تغییر نگرش طراحان و برنامه ریزان و مهم تر از آن مدیران شهری، از طرح هایی که صرفاً بر اساس استانداردها ارائه می شوند، به سمت طرح ها و برنامه هایی که نظر و خواسته های ساکنان را نیز شامل می شود، است.

۲-۱- تاریخچه موضوع تحقیق:

مفهوم عدالت عمدتاً در ادبیات اخیر مورد توجه قرار گرفته است که سعی در بررسی مفاهیم و عملکردهای عدالت از دیدگاه جغرافیایی دارد. (Visser, 2003:99) و موضوع عدالت اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیا و برنامه ریزی شهری شد. و اما مفهوم مشارکت تقریباً در دهه ۱۹۶۰ در امریکا و پس از آن در انگلستان و دیگر کشورهای دموکراتیک شکل گرفت. در ایران، در سال های اخیر، به نحوی فزاینده، سخن از مشارکت شهروندان در تمامی امور مطرح بوده است. این مشارکت به شکلی نامعمول و نامطلوب در حوزه شهرسازی ظهور یافته است، به طوری که می توان گفت در مشارکتی که اکنون در حوزه شهرسازی کشور مطرح است، مفهوم مشارکت در واقع قلب ماهیت شده است. هسته مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تأثیرگذاری گسترده تر آنان بر طرح های شهری است. آنچه که در زمان حاضر در طرح هایی با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می شود، به هیچ وجه ناظر بر این مفهوم نیست و عمدتاً عبارت است از تأمین اعتبار مالی طرح یا پیش فروش واحدهای احداثی. (ادیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹)

۳-۱- هدف از تحقیق:

این تحقیق با مورد تأکید قرار دادن برنامه ریزی تقاضا محور بر اساس مشارکت ساکنان و توجه به نظرات و درخواست های آنان، در پی یافتن الگوی مدون برای ارتقای میزان عدالت در هر میزان در توزیع خدمات شهری جهت استفاده در امر مدیریت شهری و تغییر اساس توزیع خدمات شهری در سطح شهر خصوصاً در بافت های ناکارآمد شهری است. در همین جهت، هدف از این مقاله مقایسه دو نوع برنامه ریزی استاندارد (نیاز محور) بر اساس استانداردهای شهری و تقاضا محور (برنامه ریزی مشارکتی) با هدف ارتقای عدالت اجتماعی است.

۴-۱- فرضیه تحقیق:

- به نظر می رسد استانداردهای شهری که بر اساس نیازهای از پیش تعیین شده و یکسان انسان ها هستند، نمی توانند معیار کاملی برای برنامه ریزی عادلانه خدمات شهری باشند.
- به نظر می رسد بتوان اصول و معیارهایی جامع و مدون برای توزیع عادلانه خدمات شهری در سطح محلات و بافت های شهری ارائه کرد.

۲- روش شناسی تحقیق:

روش هر پژوهش متناسب با موضوعات و روابط بین آنها تعریف می شود و برای هر پژوهش روش های خاصی می توان در نظر گرفت. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و با روش تحلیلی-

توصیفی انجام شده است. اطلاعات لازم برای ارزیابی و تحلیل در این مقاله، از دو طریق یافت می‌شود: گام اول جست‌وجو در مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی جهت شناسایی محدوده و پیشینه مطالعات انجام‌شده تاکنون بوده، و اما گام دوم که بسیار مهم است، شناسایی و تشخیص نیازها و کمبودها به دوصورت است.

این دو صورت همان دو اصل ارائه‌شده در چارچوب نظری است که در اصل اول (استانداردمحور)، تحلیل‌ها توسط استانداردهای سرانه و شعاع دسترسی و نقشه‌های Buffer خورده، و در اصل دوم (تقاضامحور) توسط پرسش‌نامه که بررسی تقاضای ساکنان است و بعد نقشه‌های عینی‌سازی نتایج پرسش‌نامه ارائه شده است. برای تحقق این امر، از محدوده مطالعاتی که محله راه‌آهن در جنوب شهر قزوین است و با ۷۱۸۳ نفر جمعیت به‌عنوان جامعه مورد بررسی قرار گرفته است، با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای با تعداد ۹۴,۷ یا معادل ۹۵ نفر انتخاب شد که در این فرمول، مراحل بعدی تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه به‌طور تصادفی در محدوده توسط ساکنان پر شد.

فرمول ۱: فرمول کوکران

$$n = \frac{NZ^2P(1-P)}{Nd^2 + Z^2P(1-P)}$$

$$n = \frac{7183 \times 1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{7183 \times 0.1^2 + (1.96^2 \times 0.5 \times 0.5)} = 94.7$$

عدد Z یا درصد اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱,۹۶

عدد d یا مقدار اشتباه مجاز برابر ۰,۱

عدد P برابر ۰,۵

در مرحله بعد و پس از پر شدن ۳۰ پرسش‌نامه پایایی پرسش‌نامه‌ها در نرم‌افزار SPSS و توسط ضریب آلفای کرونباخ Cronbach's Alpha محاسبه شد که عدد ۰,۷۶۱ به دست آمد که در محدوده قابل قبول است. در نهایت پاسخ‌های به‌دست‌آمده در نرم‌افزار SPSS توسط آزمون فریدمن Friedman تحلیل شد و امتیازاتی به دست آمد. در پرسش‌نامه در مورد میزان خدمات، پراکنش خدمات و کیفیت خدمات بر اساس طیف لیکرت (ضعیف- نسبتاً ضعیف- متوسط - نسبتاً خوب- خوب) از ساکنان پرسش شده است. در این آزمون‌ها نتیجه آزمون معنی‌داری نیز قابل قبول بود و مقدار Sig به‌دست‌آمده در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ قرار دارد و ($P < 0.05$) است. این بخش پرسش‌نامه جزء اصل تقاضامحور بوده و در آخر با نتایج اصل استانداردمحور مقایسه شده است. پس از تحلیل نتایج، این امتیازات در نرم‌افزار GIS بر روی نقشه ارائه شده‌اند. به این صورت که ابتدا مکان پاسخ‌دهندگان که به‌طور کاملاً تصادفی در محله انتخاب شده‌اند و سعی بر آن بوده است

تا در همه بخش‌های محدوده پراکنش داشته باشد. در تصویر ۱ موقعیت مکانی پرسش‌نامه‌های پر شده بر روی نقشه AutoCad را می‌توان ملاحظه کرد.



تصویر ۱: نقشه موقعیت مکانی پرسش‌شوندگان در سطح محله راه آهن قزوین

منبع: نگارندگان

و سپس در نرم‌افزار GIS و توسط روش IDW و از طریق INTERPOLATION (درون‌یابی) امتیازات وارد شده و نقشه‌های تحلیلی از آن استخراج شده است. و بدین ترتیب نقشه‌هایی برای عینی‌سازی نتایج SPSS در GIS تهیه شده است. در آخر نیز نوبت به مقایسه نتایج تحلیل‌های این دو اصل می‌رسد که در انتها هرکدام از اصول به‌صورت جداگانه بررسی شد و نتایج این دو اصل در یک جدول و مقابل یکدیگر مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفتند.

۳- ادبیات نظری تحقیق:

۳-۱- پیشینه تحقیق:

با توجه به هدف و فرایند این پژوهش، موضوعات مختلفی در ارتباط با این روند هستند که از آن جمله می‌توان به عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی، به استانداردهای شهری مانند سرانه‌ها و ...، به مشارکت مردمی و حضور مردم در برنامه‌ریزی اشاره کرد. برای مجموع این مباحث پیشینه‌ای ارائه شده است:

مفهوم عدالت اجتماعی در ادبیات اخیر مورد توجه قرار گرفته است که سعی در بررسی مفاهیم و عملکردهای عدالت از دیدگاه جغرافیایی دارد (Visser, 2003:99). موضوع عدالت اجتماعی در

اواخر دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری شد. در دهه ۷۰ دیوید هاروی کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» خود را که بر سه نکته‌ی اساسی شامل نیاز، استحقاق و منفعت عمومی در عدالت اجتماعی و خدمات در شهر تأکید می‌کند، به چاپ رسانید. و (Talen, 1998) یکی از تحقیقات مهم و تأثیرگذار در زمینه‌ی توزیع خدمات شهری است. این تحقیق در شهرهای آمریکا انجام شده است و در آن به بررسی نحوه‌ی توزیع خدماتی چون پارک محله و زمین بازی محله پرداخته شده است. مبنای کار این تحقیق دیدگاه نیازمحور است و برای تحلیل نحوه‌ی توزیع خدمات شهری، از شاخص دسترسی استفاده کرده است و از تجارب داخلی مهم و تأثیرگذار در زمینه‌ی نابرابری و توزیع عادلانه‌ی خدمات عمومی در شهر نیز می‌توان به مقاله‌ی داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰) اشاره کرد. نتایج یافته‌های نویسندگان نشان می‌دهد که توزیع خدمات عمومی شهری بر اساس قابلیت دسترسی، کارایی و توزیع جمعیت، عادلانه صورت نگرفته. (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۵-۱۸)

لطفی و کوهساری (۲۰۰۹) در تحقیق «سنجش قابلیت دسترسی به خدمات محلی» در شهر تهران با در نظر گرفتن دو رویکرد «برابری فرصت‌ها» و «عدالت نیازمنا» به بررسی خدمات آموزشی، تجاری و فضای سبز در مقیاس محله پرداخته‌اند. ابتدا میزان دست‌یابی بلوک‌های شهری را با روش مینیمم فاصله و روش فازی ارزیابی و سپس میزان دست‌یابی ساکنان را با شاخص محرومیت اجتماعی - اقتصادی ساکنان در بلوک‌های شهری مقایسه کرده‌اند. نتایج یافته‌های این دو، نشان از نابرابری اندک محله‌های شهر در دست‌یابی به خدمات بوده است. همچنین افراد با محرومیت بالا هم سطح دست‌یابی مناسبی به خدمات داشته‌اند. (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۰: ۱-۲۲)

و اما مبحث مهمی که در این تحقیق سعی بر دست‌یابی بدان بوده است، مشارکت شهروندان در امر برنامه‌ریزی شهری است که این موضوع در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. (اوست هوپی زن، ۱۳۷۷: ۹۷) و سپس در حیطه‌ی عمل برنامه‌ریزی، طی سه دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، برنامه‌ریزی شهری از یک نگاه کاملاً نخبه‌گرایانه به یک مدل مشارکتی رسید (هیلی، ۱۳۸۸)؛ یعنی شیوه‌ای که حاوی گفتگوهای ارتباطی باشد (برای این تحقیق پرسش نظرات شهروندان مدنظر است) و زمینه را برای هم‌رایی‌سازی فراهم کند. این شیوه بسیار پیشرفته‌تر از شیوه‌های دموکراسی نمایندگی و مشارکتی موجود در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست. (هیلی، ۱۳۸۸ و هیلیر، ۱۳۸۸ و ویکلون، ۲۰۰۵) در ادامه و در برنامه‌ریزی و کالتی، به‌منظور ارتقای دموکراسی مشارکتی و تغییرات مثبت اجتماعی، دیویدف معتقد است چشم‌انداز و دورنمای متصور برای برنامه‌ریزی در آینده این است که برنامه‌ریزی به عملی تبدیل خواهد شد که به‌صورت علنی، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی را به

بررسی و گفتگو برمی‌انگیزد. پذیرش این موقعیت به معنای رد رهنمودی در برنامه‌ریزی است که در آن برنامه‌ریزی به تنهایی و به عنوان یک متخصص عمل می‌کند. (Davidoff, 1965, 331)

مشارکت هم‌چنین با دخیل نمودن سطح وسیع‌تری از علایق و جست‌وجو نمودن راه‌حل‌های عام‌تر، تصمیم‌سازی را اصلاح کرده و بهبود می‌بخشد. (Wang, Wan Wart, 2007, 266) در کشور ایران مطالعات محدودی در این زمینه انجام شده است که یکی از مهم‌ترین آنها می‌توان به مقاله (دکتر سیدمحسن حبیبی و هادی سعیدی رضوانی ۱۳۸۴) تحت عنوان «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران» اشاره کرد. حبیبی و رضوانی در این مقاله ضمن تعریف مفهوم مشارکت، به بررسی نظریه‌های این مبحث و هم‌چنین انواع مشارکت و سطح و میزان آن پرداخته‌اند و در آخر نیز نظریه‌ها را با توجه به شرایط ایران توصیف کرده‌اند. از دیگر مطالعات، توسط (مرجان شرفی و فاطمه رشیدی‌فر و دکتر ناصر برک‌پور، ۱۳۸۷) تحت عنوان «مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های سامان‌دهی و توسعه محله‌ای- نمونه موردی: محله امیرآباد- گلها» انجام شده است که در آن تکنیک‌های مشارکت و محدودیت‌های پیش‌رو را بیان نموده است. و (بهمن ادیب‌زاده و حدیثه عسگری تفرشی و سید ابراهیم حسینی، ۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مهندسی اجتماعی و نقش مشارکت مردمی در تحقق‌پذیری نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری- نمونه موردی: محله نعمت‌آباد منطقه ۱۹ تهران» به معرفی پروژه اجرایی بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ در این نمونه موردی پرداخته و نتایج آن که سرعت اجرای کار، رضایت گروه‌های هدف، اعتمادسازی، کاهش معارضات و ارتباط مستمر بین مردم و مدیریت شهری را توضیح می‌دهد.

۲-۳- مبانی نظری تحقیق:

برنامه‌ریزی زاییده قانون کمیابی منابع و تعیین‌کنندگی، چگونگی توزیع و تخصیص این منابع میان ذی‌نفعان و در میان مکان‌ها و محل‌های متفاوت است و نتیجه آن برخورداری بیشتر برخی از ذی‌نفعان و مکان‌ها در مقایسه با دیگران است (Hillier, 2009). نکته مهم در این حیطة، چگونگی ورود مبحث عدالت در برنامه‌ریزی خدمات شهری است و از همین‌رو در ادامه به موضوعات برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، عدالت در توزیع کاربری‌ها (عدالت توزیعی)، و ارتباط عدالت توزیعی با برنامه‌ریزی شهری ارتباط آن مشارکت مردم پرداخته شده و درنهایت، چارچوب نظری برای ورود موضوع عدالت در روند برنامه‌ریزی خدمات شهری توسط استفاده از نظرات ساکنان ارائه شده است.

۱-۲-۳- برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری:

برنامه‌ریزی برای کاربری زمین شهری، یعنی سامان‌دهی مکانی و فضایی فعالیت‌ها و عملکردهای شهری بر اساس خواست‌ها و نیازهای جامعه شهری. (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۷) برنامه‌ریزی کاربری زمین، عبارت است از سنجش روش‌مند امکانات بالقوه زمین و آب، گزینه‌هایی برای کاربری زمین، شرایط اقتصادی و اجتماعی به منظور انتخاب و اتخاذ بهترین گزینه کاربری زمین. (F.A.O, 1993). این

تعریف، رویکرد روش‌مند احتمالات کاربری‌های گوناگون در آینده، و نیز نیاز حس شده به تغییرات، و تمایل به اجرای برنامه را دربرمی‌گیرد. از همین‌رو برنامه‌ریزی کاربری زمین به‌دنبال انتخاب بهینه‌ترین نوع استفاده از منابع از طریق شناسایی مشکلات فعلی کاربری زمین، خلق گزینه‌های مناسب و پایدار و نظارت بر اجرای گزینه‌ها است. (Dent, 1988). که برنامه‌ریزی کالبدی به توزیع فضاهای غالباً کمیاب در میان چندین کاربر بالقوه، با هدف عمده بهینه‌سازی کاربری زمین می‌پردازد. (van Lier, 1994) و به‌خاطر گسترش عمودی شهرها، امروزه مفهوم کاربری فضا نیز به‌جای کاربری زمین به‌کار می‌رود. (بحرینی، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

درمقابل می‌توان روند دیگری که از طریق ایجاد حوزه عمومی و ایجاد ارتباط میان کلیه گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌مدخل یک مشکل و تصمیم‌گیری مربوط به آن صورت می‌پذیرد (شریف‌زادگان و شفیع، ۱۳۹۳) که همان برنامه‌ریزی بر اساس نظرات و مشارکت ساکنان همراه برنامه‌ریزان، یا برنامه‌ریزی تقاضامحور است.

۲-۲-۳- عدالت در توزیع کاربری‌ها:

عدالت اجتماعی به‌دنبال کاهش نابرابری‌ها بوده و به‌دنبال حذف محرومیت است. (Barton & Keyti, 2001) و عدالت فضایی طبق ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده به این معناست که باید با ساکنان در هر جایی که زندگی می‌کنند، به‌طور برابر رفتار شود. (Tsou, 2005) از این رو می‌توان گفت که عدالت توزیعی بر تخصیص منصفانه منابع در میان افراد متنوع جامعه تأکید می‌کند و تخصیص عادلانه منابع نیز به فرایند و الگوی توزیع اشاره دارد (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

عدالت و بی‌عدالتی فضایی بر جنبه‌های جغرافیایی یا فضایی (بی‌عدالتی تأکید دارد و به عنوان نقطه شروع، شامل توزیع منصفانه و برابر منابع و فرصت‌ها در فضای اجتماعی است. (Soja, 2006: 2-4) هم‌چنین توزیع تسهیلات و خدمات و کیفیت آن‌ها به‌طور تفکیک‌ناپذیری با رفاه اجتماعی پیوند دارد. (Boyne Georg, 2002: 26) و این فاکتور به معنی توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیت، بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنان یک منطقه است. میزان برآورده شدن این اصل با معیارهای زیر مشخص می‌شود:

- توزیع متناسب عملکردها و خدمات؛
- تأمین امکانات و فرصت‌ها برای همه ساکنان؛
- تأمین دسترسی کافی به خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه ساکنان. (سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۵۴)

۳-۲-۳- ارتباط عدالت توزیعی با طراحی و برنامه‌ریزی شهری:

از آنجایی که فضا منبعی محدود است، وظیفه اصلی طراحان شهری، توزیع مناسب و منصفانه فضا برای تمامی استفاده‌کنندگان از آن است. (Flusty, 1994: 51) «یونگ» در نظریه عدالت‌محور

خود به عامل توزیع به عنوان عنصری کلیدی در رسیدن به عدالت اجتماعی در شهرها باور دارد (Young, 1990:37). و «کوپن لینچ» در نظریه شهر خوب، معیار عدالت را روشی می‌داند که از طریق آن، هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می‌شود. (لینچ، ۱۳۸۱)

به گفته «اسمیت» برنامه‌ریزی سازوکاری است که از طریق عدالت توزیعی با فضای شهری ارتباط پیدا می‌کند. (Smith, 1994). عدالت توزیعی به چهار روش با برنامه‌ریزی شهری ارتباط دارد:

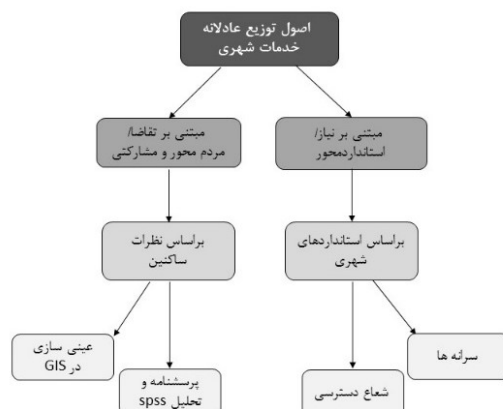
- توزیع برابر خدمات اولیه در میان شهروندان؛ این منابع عبارت‌اند از مسکن، خدمات بهداشتی، خدمات آموزشی، خدمات اجتماعی و فضای عمومی؛
- دسترسی فیزیکی به فعالیتهای شهری برای همه شهروندان؛
- توزیع مناسب درآمدهای شهری برای تمامی شهروندان؛
- ایجاد فرصتهای شغلی مناسب برای تمامی شهروندان به خصوص متخصصان به صورت پاره‌وقت و تمام‌وقت. (داداش پور، ۱۳۹۳: ۱۲۱)

۳-۳- چارچوب نظری تحقیق:

تاکنون تحقیقاتی که در زمینه عدالت فضایی در توزیع خدمات شهری صورت گرفته، اولاً اندک بوده و ثانیاً بیشتر مفهوم سرانه کاربری را برای دستیابی ساکنان به خدمات شهری ملاک قرار داده‌اند. از این رو، برخی معیارها نظیر دسترسی افراد، بررسی جمعیت برخوردار و غیربرخوردار از خدمات و نحوه مکان‌یابی و توزیع خدمات بر اساس شعاع خدمات‌رسانی و جمعیت آستانه خدمات، مورد غفلت واقع شده است (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۳). این درحالی است که برای دسترسی و پراکنش مطلوب استانداردهای شعاع دسترسی نیز وجود دارد. از طرفی دیگر هر دو این معیارها (سرانه و شعاع دسترسی) جزء معیارهای کاملاً کمی و از پیش اندازه‌گیری شده هستند که مانند نسخه مشخص برای همه بیماری‌ها عمل می‌کنند. درحالی‌که هر کشور، هر شهر و هر محدوده شهری دارای مشکلات خاص خود است که هیچ استاندارد نمی‌تواند آن را به درستی درک کند و فقط ساکنان آن محدوده هستند که از آن مطلع‌اند. پس در روند برنامه‌ریزی و توزیع خدمات شهری می‌بایست ساکنان و مردم را در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی مشارکت داد؛ به نوعی می‌توان به معیاری جدید تحت‌عنوان «تقاضا» اشاره نمود و بدین‌وسیله به برنامه‌ریزی به‌روز و مدرن مشارکتی نزدیک شد و ساکنان را وارد فرایند برنامه‌ریزی کرد.

از همین‌رو در چارچوب نظری، دو اصل شناسایی شده که این دو اصل از جمع‌بندی‌های مبانی نظری و به‌نوعی دستاورد این تحقیق نیز هستند که یکی از آنها اصل **استاندارد محور** و بر اساس سرانه‌ها و استانداردها است و دیگری اصل **تقاضا محور** و بر اساس نظرات و تقاضای ساکنان است. برای اصل اول: از دو معیار سرانه‌های مصوب شهرسازی و استاندارد شعاع دسترسی استفاده شده است. سرانه‌ها در قالب یک جدول محاسبه شده و کمبودها برآورد شده‌اند و برای شعاع دسترسی نیز نقشه‌های Buffer خورده استاندارد شعاع دسترسی تهیه شده‌اند. برای اصل دوم که بررسی

تقاضای ساکنان است، در مرحله‌ی اول پرسش‌نامه و بعد نقشه‌های عینی‌سازی نتایج پرسش‌نامه در GIS ارائه شده است.



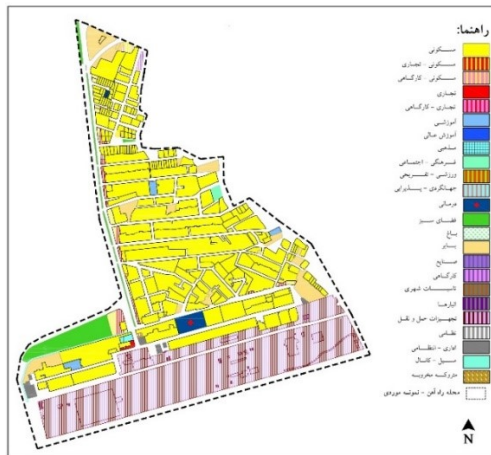
تصویر ۲: اصول ارائه‌شده برای توزیع عادلانه خدمات شهری

منبع: نگارندگان

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه:

نمونه موردی این تحقیق یا همان محله راه‌آهن، با جمعیت ۷۱۸۳ نفر و با مساحت ۷۳ هکتار و تراکم جمعیتی معادل تراکم ناحیه، یعنی ۱۵۰ نفر بر هکتار، در ناحیه ۸ شهر قزوین، که خود شامل دو محله کنار یکدیگر و به هم پیوسته است، قرار دارد. در تحقیقاتی که توسط شهرداری و در اطلس شهر قزوین ارائه شده، این ناحیه در بافت میانی شهر واقع شده و محله راه‌آهن - که ایستگاه راه‌آهن و خیابان منتهی به آن را درون خود دارد- و محله ایران‌گاز- که خیابان ایران‌گاز قدیم و اصفهان جدید را درون خود دارد- در این ناحیه واقع شده‌اند.

جنوبی‌ترین ناحیه شهر قزوین ناحیه ۸ است. این ناحیه علی‌رغم وسعت زیاد و جمعیت کثیر تحت پوشش، فاقد مراکز ورزشی و تفریحی در وضع موجود است و کاستی‌هایی در زمینه آموزشی- فرهنگی درمانی در آن مشهود است. به‌منظور رفع این کاستی‌ها و با توجه به جمعیت ۱۹۵۲۲ نفری افق طرح و تراکم ۱۵۰ نفر بر هکتار در حال حاضر، رفع این کمبودها ضروری به نظر می‌رسد. (جلد دوم برنامه جامع شهر قزوین، ۱۳۹۴:۳۸)



تصویر ۳: نقشه کاربری‌های وضع موجود محله راه آهن قزوین

منبع: جدیدترین برنامه جامع شهر قزوین مصوب ۱۳۹۴

۵- فرایند و نحوه تحلیل:

حال از این مرحله، اطلاعات به دست آمده از محدوده مورد مطالعه حول دو اصل استاندارد محور و تقاضامحور بررسی و جمع‌بندی و نتیجه هر اصل به طور جداگانه ارائه شده است. و در آخرین بخش (جمع‌بندی و نتیجه‌گیری)، نتایج حاصل از این دو اصل با یکدیگر مقایسه و در قالب گزارش و جدول نمایش داده شده است.

۵- اصل استاندارد (نیاز) محور:

۵-۱- بررسی سرانه‌ها در جهت اصل استاندارد (نیاز) محور:

در این بخش سرانه‌های موجود، کمبود مساحت و میزان نیاز به هر کاربری صرفاً بر اساس استانداردهای سرانه‌های شهری محاسبه و ارائه شده است:

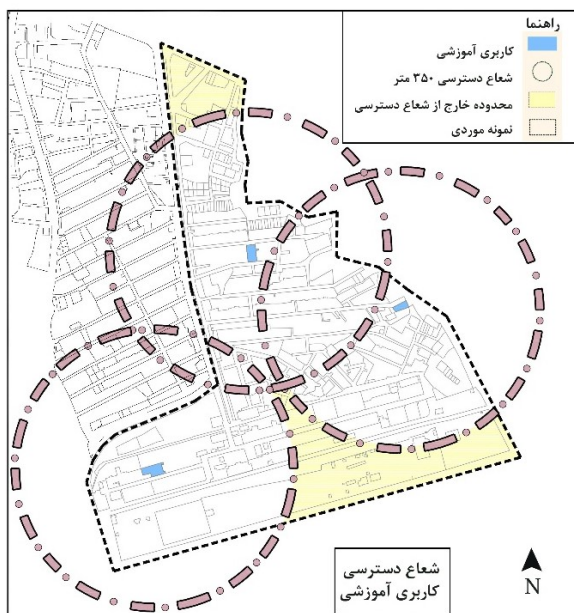
جدول ۱: جمع‌بندی و ارائه سرانه‌های پیشنهادی در جهت اصل استاندارد (نیاز) محور

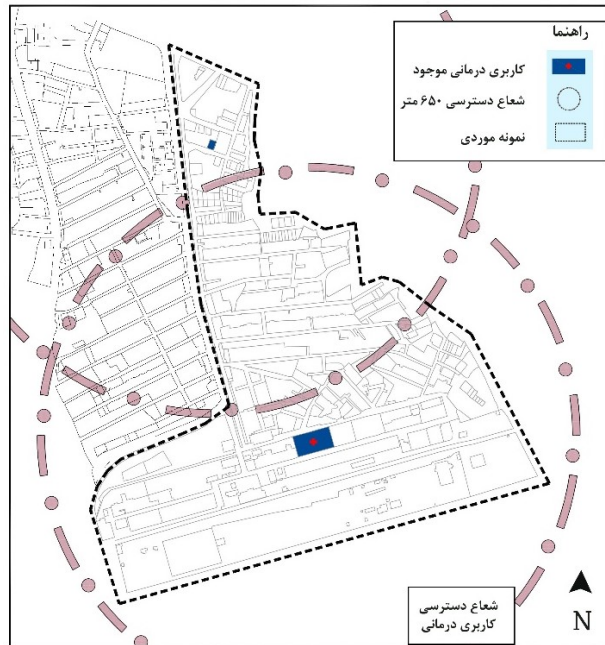
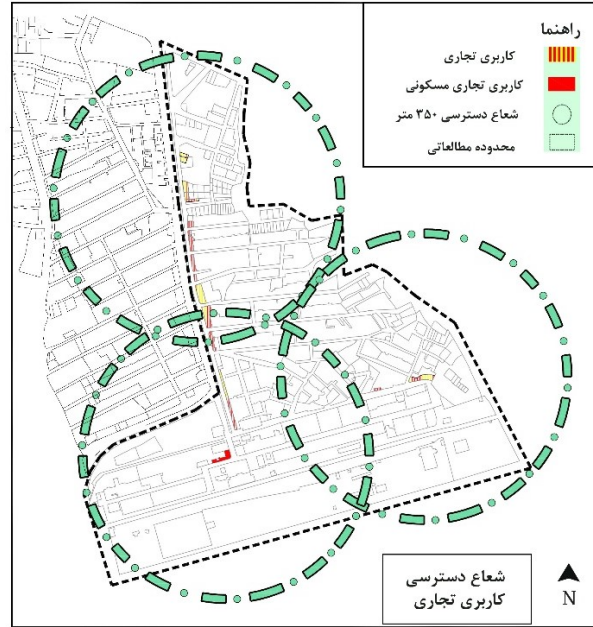
کاربری	مساحت موجود	سرانه موجود	مساحت پیشنهادی	کمبود	سرانه پیشنهادی
آموزشی	۲۸۷۴	۰/۴	۸۰۸۲	۵۲۰۸	۱/۱
تجاری	۶۳۴۵	۰/۸	۹۷۷۲	۳۴۲۷	۱/۳
درمانی	۳۵۰	۰/۰۴	۱۸۹۴	۱۳۱۲	۰/۲۵
مذهبی	۷۶۵	۰/۱	۱۴۳۷	۶۷۲	۰/۲
فضای سبز	۱۳۹۱۵	۱/۹	۲۵۰۰۰	۱۱۰۸۵	۳/۴

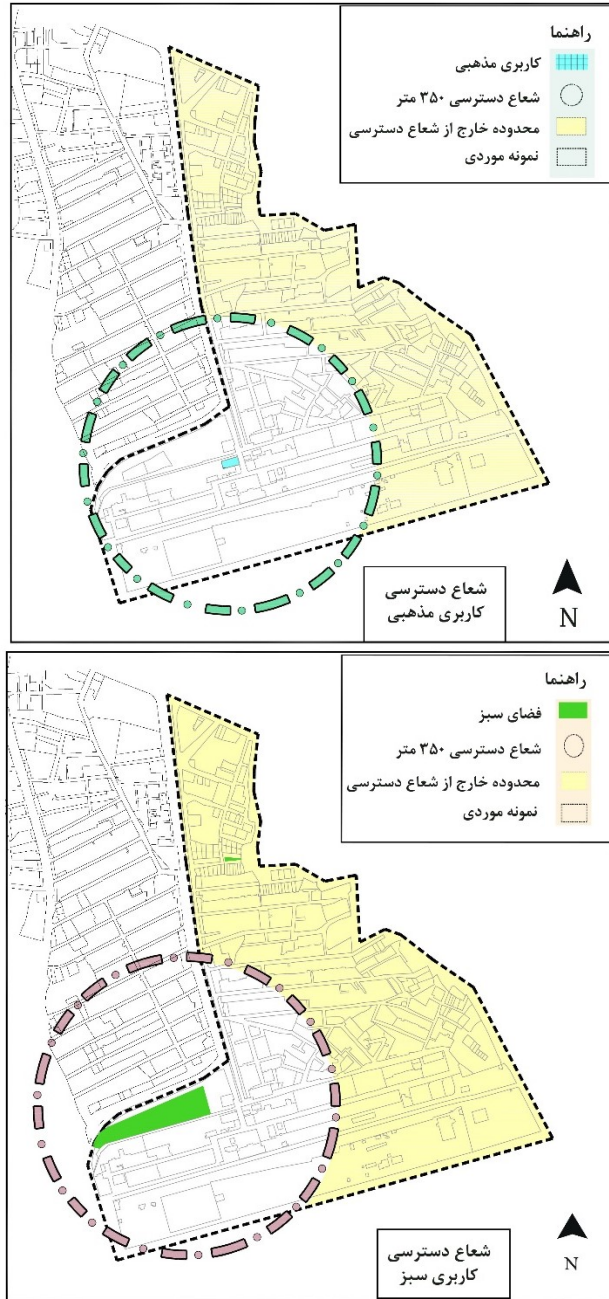
منبع: نگارندگان

۲-۵- بررسی شعاع دسترسی در جهت اصل استاندارد (نیاز) محور:

دومین معیار تحلیل از اصل استاندارد محور، بررسی میزان دسترسی ساکنان به خدمات موجود است و توسط اندازه‌گیری شعاع دسترسی موجود به خدمات و مقایسه آن با شعاع دسترسی استاندارد به جهت بررسی میزان مطلوبیت پراکنش خدمات است. در این مرحله از روش بافر زدن به میزان شعاع دسترسی استاندارد استفاده شده است. علی‌رغم اینکه این روش نمی‌تواند گویای واقعی دسترسی باشد، اما روشی است که در حال حاضر برنامه‌ریزی در کشور انجام می‌شود و در این مرحله سعی بر معرفی روند است، که در انتهای تحقیق میزان درستی آن مشخص می‌شود.







تصویر ۴: بررسی شعاع دسترسی کاربری‌های خدماتی پنج‌گانه موجود در محله راه‌آهن

منبع: نگارندگان

۳-۵- برنامه‌ریزی کاربری زمین محدوده مورد مطالعه مبتنی بر اصل استاندارد (نیاز) محوری:

در جمع‌بندی که در اصل استاندارد محور توسط بررسی استانداردها انجام شده است، نتایج زیر برای هر کاربری به دست آمده و در آخر نیز نیاز یا عدم نیاز آن کاربری مشخص شده است.

جدول ۲: مقایسه نتایج حاصل از اصل استاندارد (نیاز) محور

کاربری	کمبود بر اساس سرانه (مترمربع)	تحلیل شعاع دسترسی	نتیجه: نیاز به
آموزشی	کمبود فضا = ۵۲۰۸	پراکنش مناسب و پوشش همه بخش‌ها	افزایش مساحت
تجاری	کمبود فضا = ۳۴۲۷	پراکنش مناسب و پوشش همه بخش‌ها	افزایش مساحت
درمانی	کمبود فضا = ۱۳۱۲	پراکنش مناسب و پوشش همه بخش‌ها	افزایش مساحت
مذهبی	کمبود فضا = ۶۷۲	پراکنش نامناسب و عدم پوشش همه بخش‌ها	افزایش مساحت و توزیع پراکنده‌تر
پارک	کمبود فضا = ۱۱۰۸۵	پراکنش نامناسب و عدم پوشش همه بخش‌ها	افزایش مساحت و توزیع پراکنده‌تر

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

۶- اصل تقاضا محور:

علم شهرسازی از جمله علمی است که کاملاً مرتبط و پیوند خورده به عموم مردم است. چراکه هم در طراحی و هم در برنامه‌ریزی برای شهر، این مردم هستند که از مزایا و معایب آن برنامه یا طرح بهره‌مند می‌شوند. از همین رو حضور مردم در روند برنامه‌ریزی نیز لازم است. از طرفی دیگر در نظریه‌های نوین علم شهرسازی تأکید فراوان بر مشارکت مردم در طرح‌ها و برنامه‌ها شده است و از آن به‌عنوان «برنامه‌ریزی با مردم و برای مردم» یاد می‌شود.

۱-۶- تحلیل سؤال‌های پرسش‌نامه در محیط SPSS در جهت اصل تقاضا محور:

در این بخش به بررسی نظرات ساکنان در مورد وضع موجود و نیازهای ساکنان از دیدگاه خودشان در قالب پرسش‌نامه‌ای بر اساس سه سؤال پرداخته خواهد شد. سؤالات در مورد میزان و مقدار خدمات موجود در محله، فاصله ساکنان تا خدمات مورد نظر (پراکنش)، و کیفیت خدمات بوده و هر کدام از پاسخ‌ها امتیاز خود را داشته‌اند. باتوجه به نوع و اساس پرسش‌نامه و پاسخ‌ها در ابتدا جدولی که حاوی اطلاعات توصیفی مبنی بر تعداد و جنسیت و شغل و تحصیلات و سن هستند، ارائه شده است.

جدول ۳: آمار توصیفی به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه

جنسیت		زن			مرد
		۵۵			۴۵
سن	کمتر از ۲۰	۲۰ تا ۳۰	۳۰ تا ۴۰	۴۰ تا ۵۰	بالتر از ۵۰ سال
	۲۳	۲۸	۳۱	۱۴	۴
وضعیت مالکیت		مالک			مستأجر
		۵۳			۴۷
شغل	محصل	دانشجو	شاغل	خانه‌دار	
	۱۸	۳	۵۰	۲۹	
سطح تحصیلات	کمتر از دیپلم	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	
	۴۲	۴۲	۱۳	۳	

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

باتوجه به جدول که در زیر آمده است، نتایج آزمون فریدمن برای هر سه سؤال بر این اساس بوده است. همانطور که از جدول برمی‌آید، برای سؤال اول بیشترین امتیاز به کاربری تجاری و مذهبی داده شده که نشان‌دهنده کافی بودن، و کمترین امتیاز به فضای سبز و درمانی و سپس آموزشی داده شده است که نشان‌دهنده کمبود است. برای سؤال دو نیز همین روند استفاده شده و کاربری فضای سبز و سپس درمانی بیشترین فاصله و مکان نامناسب را از آن خود کرده و کاربری تجاری و مذهبی از پراکنش مطلوبی نیز برخوردار بوده‌اند. در سؤال سوم نیز کاربری فضای سبز و درمانی و آموزشی کمترین کیفیت و کاربری مذهبی و سپس تجاری کیفیت مطلوبی داشته‌اند.

جدول ۴: نتایج و امتیازات حاصل از پرسش‌نامه

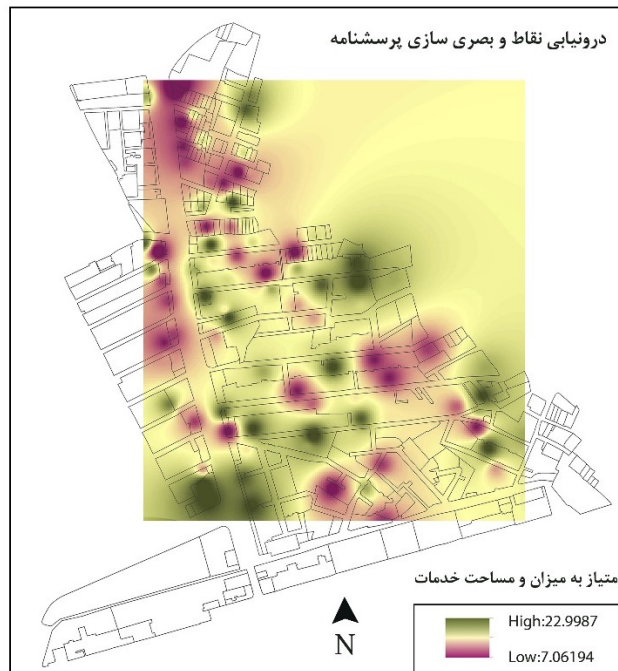
نتیجه آزمون معناداری	امتیازات کاربری‌ها در آزمون فریدمن					سؤالات
	فضای سبز	مذهبی	درمانی	تجاری	آموزشی	
آزمون معنادار است	۱/۷۹	۴/۰۱	۲/۲۳	۴/۱۶	۲/۸۳	میزان خدمات
آزمون معنادار است	۱/۹۱	۳/۷۹	۲/۴۴	۳/۹۴	۲/۹۳	پراکنش خدمات
آزمون معنادار است	۱/۹۲	۴/۲۴	۲/۹۸	۳/۴۰	۲/۴۷	کیفیت خدمات

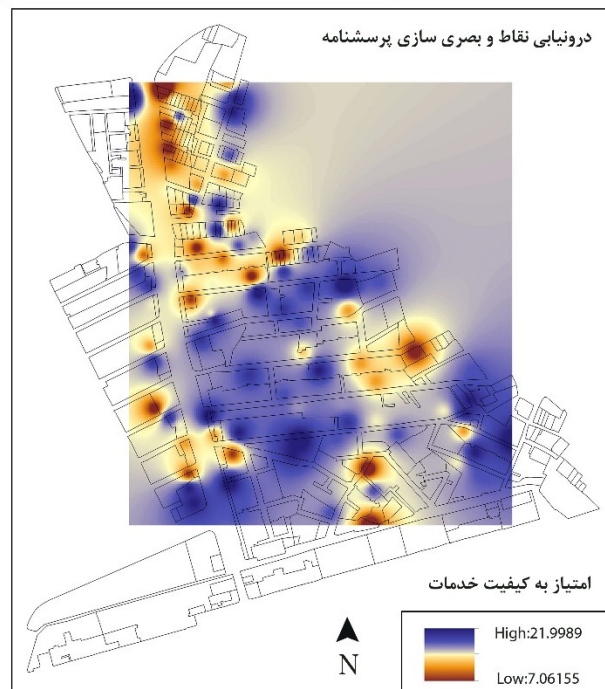
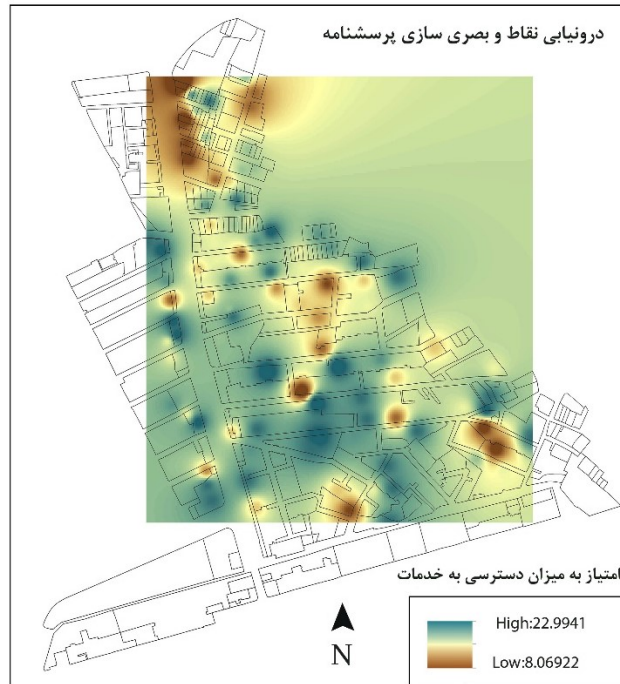
منبع: محاسبات تحقیق حاضر

۲-۶- عینی‌سازی امتیازات پرسش‌نامه در محیط GIS در جهت اصل تقاضامحور:

در نقشه‌های ارائه‌شده، امتیازات داده‌شده از جانب ساکنان به کاربری‌ها در محیط GIS تصویرسازی شده‌اند. روش تهیه این نقشه‌ها نیز بر این اساس بوده است که پاسخ‌ها بر اساس طیف

لیکرت بوده و برای سه سؤال که شامل پرسش در مورد مساحت و میزان کاربری‌ها، میزان و کیفیت دسترسی‌ها (پراکنش) و درنهایت، کیفیت خدمات پنج‌گانه بوده است، ارائه شده است. این طیف شامل پنج پاسخ از ضعیف، نسبتاً ضعیف، متوسط، نسبتاً خوب و خوب بوده و امتیازات ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده‌اند. نظر هر ساکن در این طیف برای هر پنج کاربری برای هر سؤال به صورت مجموع امتیازات برآورد شده است و این امتیازات در مکان هر پاسخ‌دهنده وارد شده است. یعنی ابتدا برای هر پاسخ‌دهنده بر اساس محل یا مکان سکونتش، در محدوده یک نقطه در محیط GIS ایجاد شده و امتیازات پاسخ‌ها برای آن نقطه وارد شده است. برای تهیه نقشه‌ها نیز از دستور IDW استفاده شده که یکی از روش‌های تهیه RASTER برای INTERPOLATION (درون‌یابی) است.





تصویر ۵: عینی سازی و درون یابی امتیاز ساکنان به کیفیت خدمات در سطح محله راه آهن

منبع: نگارندگان

۳-۶- نتیجه اصل تقاضامحوری در برنامه ریزی کاربری زمین:

در تحلیل‌هایی که برای این اصل ارائه شد و توسط پرسش‌نامه در SPSS و نقشه‌های تحلیل بصری در GIS نتایج زیر به دست آمده است. بازه‌هایی که در جدول زیر برای تحلیل نقشه‌های GIS آمده است، بر اساس نقشه‌های ارائه شده در بخش بالاتر است. رنگ‌ها که به صورت دو رنگ متفاوت و طیف هستند، این بازه‌ها را مشخص نموده‌اند. همچنین بر اساس امتیازات SPSS و از آنجایی که پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت بوده است، امتیاز ۳ نشان‌دهنده حد متوسط و متعادل است. بازه ۲ تا ۳ نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً نامناسب و بازه ۱ تا ۲ نیز نشان‌دهنده نامناسب بودن است. و همین‌طور بالاتر از ۳، یعنی بازه ۳ تا ۴ وضعیت نسبتاً مناسب و بازه ۴ تا ۵ وضعیت مناسب را نشان می‌دهد.

جدول ۵: مقایسه نتایج اصل تقاضامحور

کاربری	تحلیل امتیازات SPSS	تحلیل نقشه‌های GIS	نتیجه
آموزشی	میزان خدمات: امتیاز = $2/83$ فاصله تا خدمات: امتیاز = $2/83$	پراکنش نسبتاً متعادل	نیاز کم به افزایش سطح کاربری
تجاری	میزان خدمات: امتیاز = $4/16$ فاصله تا خدمات: امتیاز = $3/94$	پراکنش کاملاً مناسب	عدم نیاز
درمانی	میزان خدمات: امتیاز = $2/23$ فاصله تا خدمات: امتیاز = $2/44$	پراکنش نامناسب	نیاز شدید به افزایش سطح و اصلاح پراکنش کاربری
مذهبی	میزان خدمات: امتیاز = $4/01$ فاصله تا خدمات: امتیاز = $3/79$	پراکنش مطلوب	عدم نیاز
پارک	میزان خدمات: امتیاز = $1/79$ فاصله تا خدمات: امتیاز = $1/91$	پراکنش نسبتاً نامناسب	نیاز شدید به افزایش سطح و اصلاح پراکنش کاربری

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

نتایج به دست آمده از این تحلیل‌ها و جداول ارائه شده، نشان می‌دهد که در نیازسنجی در محلات و محدوده‌های شهری بین دو اصل تفاوت‌هایی وجود دارد. برطبق جدول زیر (در این جدول، نتایج از ۲ اصل مقایسه به دست آمده‌اند) روند تحلیل بدین صورت بوده است که هر اصل به‌طور جداگانه بررسی شده است. نتایج نهایی این اصل استاندارد محور در جدول شماره ۲ و ستون انتهایی آن نتیجه نهایی این اصل است که بر اساس سرانه‌های استاندارد و شعاع دسترسی به دست آمده است. حال این ستون در جدول زیر آمده است. برای اصل دوم یا تقاضامحور نیز نتیجه نهایی که بر اساس تحلیل‌ها و امتیازات SPSS و نقشه‌های تحلیلی GIS بوده است. در جدول شماره ۵ و در ستون آخر ارائه شده است؛ که این ستون نیز در جدول پایین آورده شده است. حال نتایج این دو

اصل در جدول زیر باهم مقایسه شده‌اند و نتایج نهایی تحقیق به‌دست آمده است، برای برخی کاربری‌ها شناسایی میزان نیاز از طریق یک اصل کافی نیست و برای تحقق این امر باید از نظرات ساکنان نیز استفاده کرد. به‌طور مثال در کاربری‌های تجاری در اصل نیازمحور (استاندارد)، کمبود و نیاز به این کاربری احساس شده است که در اصل تقاضامحور (مشارکتی) عدم نیاز احساس شده است. حتی در برخی موارد احساس زیادی میزان این کاربری و همین‌طور کاربری مذهبی عنوان شده است. و این تناقض در نتایج دیگر کاربری‌ها نیز مشاهده شده است. به‌عنوان مثال در کاربری مذهبی، دلیل این تناقض وجود مساجد متعدد در مرز دو محله است که پاسخ‌گوی نیازهای هر دو محله بوده و ساکنان نیازی به افزایش آن احساس نکرده و نیاز خود را توسط مساجد موجود مرتفع می‌کنند. پس این موضوع نشان‌دهنده آن است که استانداردها و تقسیم‌بندی‌ها و اندازه‌گیری‌های مورد استفاده، همه‌جا کاربرد نداشته و گاهی نیازهای واقعی ساکنان، با آنچه که متخصصان می‌اندیشند متفاوت است. از همین‌رو وارد کردن مردم در روند برنامه‌ریزی‌ها و مکان‌یابی خدمات و کاربری‌ها می‌تواند بسیار مثمرتر بوده و در هرچه پربازده‌تر کردن خدمات تاثیرگذار باشد.

جدول ۶: مقایسه تحلیلی نتایج دو اصل استاندارد (نیاز محور) و تقاضا (مردم‌محور)

کاربری	اصل استاندارد (نیاز محور)	اصل تقاضا (مردم‌محور)
آموزشی	کمبود فضای آموزشی	کمبود غیرقابل ملاحظه
تجاری	کمبود فضای تجاری	سطح کافی و پراکنش مناسب
درمانی	کمبود فضای درمانی	کمبود قابل ملاحظه سطح فضای درمانی و پراکنش نامناسب
مذهبی	کمبود فضای مذهبی و پراکنش نامناسب	سطح کافی و پراکنش مناسب
فضای سبز	کمبود فضای سبز و پراکنش نامناسب	کمبود قابل ملاحظه سطح فضای سبز و پراکنش نامناسب

منبع: نگارندگان

امروزه در اغلب کشورهای توسعه‌یافته، تلاش بر افزایش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است و می‌توان گفت، روش و چارچوب نظری ارائه‌شده در این مقاله می‌تواند روشی بسیار ساده و قابل دست‌یابی به این مهم باشد. از آنجایی‌که اولویت و اساس برنامه‌ریزی، مردم هستند، پس بهتر است خود مردم نیز در این روند حضور یابند و در پی آن حس غرور و تعلق خاطر به مکان نیز افزایش یابد و در محل زندگی خود با علاقه بیشتر باقی بمانند و کیفیت زندگی نیز ارتقا یابد.

منابع و ماخذ:

- ۱- ادیب‌زاده، بهمن و همکاران، (۱۳۸۹). «مهندسی اجتماعی و نقش مشارکت مردمی در تحقق‌پذیری نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری- نمونه موردی: محله نعمت‌آباد، منطقه ۱۹ تهران» **دوفصل‌نامه دانشگاه هنر**، شماره چهار، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۱-۱۵۸.
- ۲- امین‌نیری، بهناز و همکاران، (۱۳۹۶). «تحلیل فضایی خدمات هفت‌گانه شهری بر اساس رویکرد عدالت توزیعی»، **مجله دانش شهرسازی**، سال اول، شماره ۱، صص ۵۵-۷۰.
- ۳- اوست هوپی زن، اندریاس، (۱۳۷۷). مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری، ترجمه ناصر برکپور، **مجله معماری و شهرسازی**، شماره ۴۸ و ۴۹. فاقد صفحه.
- ۴- حبیبی، سیدحسین و هادی سعیدی رضوانی، (۱۳۸۴). «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۵-۲۴.
- ۵- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳). «**کتاب سبز راهنمای شهرداری‌ها**». جلد دوم: کاربری زمین شهری، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- ۶- داداش‌پور، هاشم؛ علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز (۱۳۹۳). «**گفتمان عدالت فضایی در شهر**»، انتشارات آذرخش.
- ۷- داداش‌پور، هاشم؛ رستمی، فرامرز و علیزاده، بهرام (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل توزیع عادلانه خدمات شهری و الگوی پراکنش فضایی آن‌ها در شهر همدان»، **فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات شهری**، شماره دوازدهم، صص ۵-۱۸.
- ۸- داداش‌پور، هاشم و فرامرز رستمی، (۱۳۹۰). «سنجش عدالت فضایی یک‌پارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت‌دسترسی و کارایی در شهر یاسوج»، **مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۰، صص ۲-۲۲.
- ۹- رهنما، محمدرحیم، (۱۳۸۷). «اصول، مبانی و مدل‌های سنجش فرم کالبدی شهر»، **جهاد دانشگاهی مشهد**.
- ۱۰- شرفی، مرجان؛ رشیدی‌فر، فاطمه و برکپور، ناصر (۱۳۸۸). «مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های سامان‌دهی و توسعه محله‌ای، نمونه موردی: محله امیرآباد- گلها»، **دوفصل‌نامه دانشگاه هنر**، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۳۵-۵۵.
- ۱۱- شریف‌زادگان، محمدحسین و امیر شفیعی، (۱۳۹۳). «برنامه‌ریزی ارتباطی به‌عنوان رویکرد پیشنهادی برای برنامه‌ریزی شهری در مقیاس محلات در محله فرحزاد شهر تهران»، **فصل‌نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال پانزدهم، شماره ۵، صص ۲۸۱-۳۱۳.
- ۱۲- مهندسین مشاور شهر و برنامه. (۱۳۹۴)، طرح توسعه و عمران شهر قزوین

- ۱۳- شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران (۱۳۹۴). **مجموعه قوانین و مقررات بازآفرینی شهری پایدار**، انتشارات. چاپ اول،
- ۱۴- وارثی، حمیدرضا، (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی، نشریه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱.
- ۱۵- حجتی، وحیده، و مضطرزاده، حامد (۱۳۸۷). مفهوم عدالت و رابطه آن با شهر، **جستارهای شهرسازی**، شماره ۲۴-۲۵، صص ۴۰-۴۷.
- ۱۶- لینچ، کوین، (۱۳۸۱)، «**نظریه شکل شهر**»، مترجم: حسین بحرینی، ویرایش دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۷- بحرینی، سیدحسین، (۱۳۹۰)، «**فرایند طراحی شهری**»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.

- 18- F.A.O., (1993). **Guideline for Land Use Planning**. Pres. By SoilRes., Manage. And Service under guid. Of the Inter – Dept.
- 19- Smith, D. M (1994). **Geography and Social Justice**. Oxford: Blackwell.
- 20- Cho, C. M (2003). **Study on Effects of Resident-perceived Neighborhood Boundaries on Public Services: Accessibility & its Relation to Utilization**: Using Geographic InformationSystem Focusing on the Case of Public Parks in Autin, Texas, Texas A&M University.
- 21- Dent, D. (1988), "**Guidelines for Land Use Planning in developing countries**", Soil survey and land evaluation.
- 22- Lotfi, S and Koohsari, M. J (2009). Measuring objective accessibility to neighborhood facilities in the city, A case study: Zone 6 in Tehran, Iran. **Cities**, Vol. 26, No. 1, pp. 133–140.
- 23- Tsou, Ko-Wan, Yu-Ting Hung, and Yao-Lin Chang (2005). An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities. **Cities**, Vol22., No. 6, pp.424–435
- 24- Talen, E and L, Anselin (1998). Assessing Spatial Equity: An Evaluation of Measures of Accessibility to Public Playgrounds. **Environment and Planning**, Vol 30, No 1, pp:595-613.
- 25- Visser, G. (2003). Spatiality's of Social Justice and Local Government Transition: Notes on and For South African Social Justice Discourse, **South African Geographical Journal**. VOL. 85(2).
- 26- Boyne, A., & Powell, M.A. (2002). **Territorial Justice Spatial Justice and Local government Finance**, University of Herfordshire & university of clamorgan.
- 27- Soja, E (2006). **The City and Spatial Justice, Spatial Justice/ Spatial Justice**, www.jssj.org.
- 28- Young, I (1990). **Justice and the Politics of Difference**. Princeton University Press, Princeton, NJ: Princeton Univ. Press.
- 29- Flusty, S. (1994). Building paranoia: The proliferation of interdictory space and the erosion of spatial justice. **Los Angeles Forum for Architecture and Urban Design**.
- 30- van Lier, H.N (1994). Sustainable Land Use. Proc. **CIGR XII World Congr. Agric. Eng. Milano** 2, 1777-1784.